

## تحلیل انتقادی کتاب فی نظریه الروایة: بحث فی تقنیات السرد تلاشی برای بومی‌سازی گفتمان کاوی داستان

فرامرز میرزائی\*

### چکیده

عبدالملک مرتاض، دانشمند الجزایری، از اندک دانشمندانی است که می‌کوشد گفتمان نقد ادب عربی امروزه را سامان دهد و ساختمان آن را برپایه میراث ارزش‌مند نقد کهن عرب بسازد. از آن‌جاکه بدون روایت‌کاوی نمی‌توان بخش بزرگی از نثر امروز عرب را فهمید، بنابراین دست‌یابی به کتابی آموزشی و روش‌مند در این زمینه مهم می‌نماید. چاپ کتاب *فی نظریه الروایة: بحث فی تقنیات السرد* از مرتاض، به سال ۱۹۹۸ م، کاوشی رزف در شگردهای روایت‌پردازی به‌شمار می‌رود که راهی منسجم و جدید را در نظریه‌پردازی و تحلیل گفتمان داستان عربی، براساس میراث داستانی کهن عرب و با دید انتقادی به نظریه غربی روایت، ارائه می‌دهد. سؤال پژوهش این است که آیا نویسنده این کتاب در ارائه کاوشی روش‌مند از داستان و بومی‌سازی آن پیروز شده است. تحلیل محتوای کمی و کیفی این کتاب نشان می‌دهد که این کتاب گفتمان‌کاوی داستان را برپایه میراث کهن داستانی عرب و روایت‌شناسی نوین مغرب‌زمین بنا نهاده و در زمینه ساخت واژه‌های معادل در نقد داستان پیروز بوده است؛ چنان‌که می‌توان آن را منبعی برای درس نثر معاصر عربی دوره دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه‌های ایران پیش‌نهاد کرد.

**کلیدواژه‌ها:** روایت‌کاوی، عبدالملک مرتاض، *فی نظریه الروایة*، بومی‌سازی.

\* استاد دانشگاه تربیت مدرس، [mirzaeifaramarz@yahoo.com](mailto:mirzaeifaramarz@yahoo.com)، [f\\_mirzaei@modares.ac.ir](mailto:f_mirzaei@modares.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۰۸

## ۱. مقدمه

گسترده‌گی نوع ادبی داستان در ادبیات معاصر ارزش آن را چند برابر کرده است. از این رو، همیشه ارزیابان ادبی کوشیده‌اند که راه‌های نوی را برای خوانش آن فراروی هواخواهان داستان قرار دهند. از زمانی که ولادیمیر پراپ ریخت‌شناسی داستان پریان را منتشر کرد تاکنون نظریه‌پردازانی مانند باختین، بارت، کریستیوا، ژنت، برمون، و گریماس در دنیای غرب نظریه‌های گوناگونی را برای درک ماهیت داستان ارائه داده‌اند. این امر به آفرینش «دانش روایت» یا روایت‌شناسی انجامید که در برابر واژه انگلیسی «narratology» و «السر دانیة» یا «السر دلوژی» یا «نظریة السرد» در عربی است.

کتاب *فی نظریة الروایة: بحث فی تقنیات السرد* (دربارهٔ رمان: پژوهشی دربارهٔ شگردهای روایت) از عبدالملک مرتاض،<sup>۱</sup> ناقد پرآوازهٔ جزایری، کوششی برای پیش‌برد این دانش در دنیای عرب است. فراوانی نوشته‌های وی دربارهٔ ادبیات معاصر عرب وی را به چهره‌ای برجسته و محترم در جامعهٔ دانشگاهی تبدیل کرده است (الثقافیة؛ حوار مع مرتاض: <http://www.yamamahmag.com/18522.html>). وی علاوه بر نوشته‌های ادبی و کتاب‌یادشده، تألیفات گران‌قیمتی دربارهٔ نقد و نظریهٔ ادبی دارد که عناوین مشهورترین آن‌ها عبارت‌اند از *قضا یا الشعریات*، *نظریة النقد*، *نظریة البلاغة*، *نظریة القراءة*، *نظریة اللغة العربیة*، و *الکتابة من موقع العدم*. از دیگر نوشته‌های ایشان که در آن نظریه و نقد را با تطبیق نمونه‌ای از آن در ادبیات عرب ارائه کرده است، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: *السبع المعالقات* (نشر اتحاد الکتاب والأدباء العرب، دمشق، ۱۹۹۹)؛ *نظام الخطاب القرآنی* (تحلیل سیمائی مرکب لسورة الرحمن)؛ *تحلیل الخطاب السردی* (تحلیل سیمائی مرکب لروایة زقاق المدق لنجیب محفوظ)؛ *قراءة النص بین محدودیة الاستعمال ولا نهائیة التأویل* (تحلیل لقصیة قمر شیراز لعبد الوهاب البیاتی)؛ *بنیة الخطاب الشعری* (تحلیل لقصیة أشجان یمانیة لعبد العزیز المقالح)؛ *شعریة القصیة قصیة القراءة* (قراءة سیمائیة ثانیة لقصیة أشجان یمانیة)؛ و *النص والنص الغائب* (تحلیل قصیة کن صدیقی لسعاد الصباح).

## ۱،۱ اهمیت و ضرورت پژوهش

«روایت‌کاوی» درگفتمان‌کاوی ادبی جایگاه ارزش‌مندی دارد و در دنیای عرب ناقدانی مانند حمید لحمدانی، غالب هلسا، سیزا قاسم، سعید یقطین، یمنی العید، عبدالله ابراهیم، محمد مفتاح، و عبدالملک مرتاض به این مقوله از نظر علمی پرداخته‌اند و هرکدام نوشته‌های

درخوری منتشر کرده‌اند، اما به نظر می‌آید که عبدالملک مرتاض راهی متفاوت در ارائه این دانش دارد که آن را در کتاب *فی نظریة الروایة: بحث فی تقنیات السرد* به خوبی نشان داده است. «روایت» ابزار انتقال داستان به مخاطب از طریق روایت‌گر با شیوه‌های گوناگون است. از این رو، ارزیاب داستانی باید شیوه روایت رمان را بشناسد تا به خوانشی صحیح از جنبه‌های تفکر، نوآوری، و زیبایی آن دست یابد، زیرا رمان بازتابی از فرهنگ اجتماعی و تجربه انسانی است. هم‌چنین، در تدریس ادبیات معاصر «روایت» شگرد حاکم بر انواع ادبی، حتی شعر، به‌شمار می‌رود. از این رو، شایسته است به‌منظور شناسایی منابع ارزش‌مند و درخور در این زمینه اقدام‌های جدی صورت گیرد. بی‌گمان کتاب *فی نظریة الروایة* از این دسته منابع درخور بررسی و ارزیابی است.

### ۲,۱ پرسش اساسی و روش پژوهش

از آن‌جاکه نویسنده می‌کوشد با هم‌سان‌سازی نظریه غربی روایت در ادبیات معاصر عرب و با یاری گرفتن از متون نقدی کهن عربی نظریه داستان را ارائه دهد، پرسش اساسی این پژوهش این است: آیا نویسنده این کتاب در ارائه یک کاوش روش‌مند از داستان و بومی‌سازی آن پیروز شده است؟ روش تحلیل محتوای کمی و کیفی کتاب و تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که نویسنده می‌کوشد تا برای دستیابی به نظریه تحلیل داستان براساس منابع کهن عرب گامی اساسی بردارد. می‌توان گفت که وی در ارائه راهی درست در ساخت واژه‌های متناسب با زبان و فرهنگ و نقد کهن عربی در زمینه برابرسازی واژه‌های نقدی دانش روایت موفق بوده است.

### ۳,۱ پیشینه پژوهش

کتاب *فی نظریة الروایة: بحث فی تقنیات السرد* در میان کتاب‌های بسیاری که درباره روایت‌شناسی در دنیای عرب نوشته شده است جایگاه درخوری دارد. مقاله «جهود عبدالملک مرتاض فی تنظیر القراءة فی کتاب نظریة القراءة» ابراهیم عبدالنور چاپ‌شده در *مجلة القراءات* دانشگاه بسکرة، شماره دوم که در آن نویسنده موضوع «راه‌اندازی نظریه عمومی خوانش» را از مرتاض بررسی می‌کند (عبدالنور ۲۰۱۰: ۵۵)؛ پایان‌نامه *المصطلح السردی عند عبدالملک مرتاض (کتاب فی نظریة الروایة نموذجاً)* از بوجملین مصطفی در دانشگاه قاصدی مریاح در سال ۲۰۱۲ م که در آن پژوهش‌گر ساخت واژه‌های داستانی را

بررسی کرده است و مرتاض را در این زمینه نوآور می‌داند. پایان‌نامه *اللغة الواصفة في نقد عبدالملك مرتاض* از رشیده غانم در دانشگاه مولود معمري تیزی وزو در سال ۲۰۱۲ م که مهم‌ترین ویژگی‌های زبان توصیف از نظر مرتاض را بررسی کرده است (غانم ۲۰۱۲: ۳۶). هم‌چنین، مقاله «عبدالملك مرتاض و جهوده في التنظير لتحليل الخطاب الادبي؛ المنهج السيميائي نموذجاً» از طارق ثابت، در دانشگاه تیزی وزو الجزایر، و پایان‌نامه *اشكالية توظيف المصطلح النقدي السيميائي في الخطاب الادبي العربي المعاصر: عبدالملك مرتاض نموذجاً* از عبدالرشید همیسی، در دانشگاه فرحات عباس سطیف الجزایر، در سال ۲۰۱۲ م در این زمینه چاپ شده است. مجموع این پژوهش‌ها بیان‌گر اهمیت نوشته‌های مرتاض در زمینه نقد داستانی است، اما تاکنون این کتاب با معیارهای کمی و کیفی به‌منظور ارزیابی آن به‌منزله یک متن آموزشی بررسی نشده است. از این‌رو، ضروری است که این کتاب درسی و مرجع پژوهشی نقد و ارزیابی شود.

## ۲. تحلیل کمی کتاب فی نظریة الروایة

این کتاب را انتشارات «سلسة كتب ثقافية شهرية يصدرها المجلس الوطني للثقافة والفنون والآداب - الكويت» در سال ۱۹۹۸ م، با شماره ۲۴۰، در ۲۸۹ صفحه به‌شکل الکترونیکی و کاغذی چاپ کرده است.

### ۱,۲ محتوای کمی: عناوین اصلی و فرعی

این کتاب یک مقدمه و نه مقاله (فصل) دارد: المقالة الأولى (الرواية: الماهية والنشأة و التطور)؛ المقالة الثانية (أسس البناء السردی فی الرواية الجديدة)؛ المقالة الثالثة (الشخصية: الماهية/ البناء/ الإشكالية)؛ المقالة الرابعة: (مستويات اللغة الروائية و أشكالها)؛ المقالة الخامسة: (الحيز الروائي و أشكاله)؛ المقالة السادسة: (أشكال السرد و مستوياته)؛ المقالة السابعة (علاقة السرد بالزمن)؛ المقالة الثامنة (شبكة العلاقات السردية)؛ المقالة التاسعة: (حدود التداخل بين الوصف والسرد فی الرواية). نویسنده هر مقاله را با بهره‌مندی از میراث کهن عرب درباره ساخت و اثره شروع می‌کند تا ریشه درست و اثره را نشان دهد (محبک ۱۹۹۹: ۱) و درباره ماهیت و جنس ادبی داستان بحث دقیقی می‌کند تا ماده اصلی و اثره را در زبان و ادب عربی نشان دهد. عنوان‌های «الرواية من حيث هي جنس ادبي»، «بين الجنس والنوع»، و «ما الرواية» (مرتاض ۱۹۹۸: ۱۷-۲۲) درباره تحلیل معنایی و اثره الرواية براساس فرهنگ و زبان ادب عربی است.

در مقاله نخست، علاوه بر سه عنوان یادشده، رابطه رمان را با تاریخ و اسطوره شرح می‌دهد و رمان را از جنس ادبی حماسه می‌داند که می‌تواند تمامی موضوعات اجتماعی را در بر گیرد. سپس، در عنوانی به‌نام «روایة التحلیل و الروایة الموضوعیة» دو نگرش موضوعی یا بیرونی و نگرش تحلیلی به رمان را روشن می‌کند (همان: ۱۶). سپس، در عنوان «الروایة من حیث هی جنس أدبی» به ماهیت این نوع ادبی و شکل آن در ادب کهن عربی می‌پردازد. وی جاحظ را نخستین کسی می‌داند که به نثر اهمیت درخوری داده است (همان: ۱۸). سپس، به هنر مقامه‌نویسی و جایگاه آن در نثر عربی می‌پردازد و آن را جنس ادبی کاملاً عربی می‌داند که بیان‌گر نوآوری در ادب قدیم عرب است (همان: ۲۰). سپس بحث ارزش‌مندی درباره ریشه و اثر «الروایة» دارد که معنای آن باتوجه به ماده «روی، یروی» آب آوردن و سیراب کردن است و به دلیل لذتی که نوشیدن و سیراب شدن دارد برای حکایت ادبی به کار می‌رفته است. در آغاز دوران معاصر برای نمایش‌نامه به کار می‌رفت و رمان را «روایة قصیه» می‌نامیدند (همان: ۲۳). از نظر مرتاض، داستان «عیسی بن هشام» از محمد مویلی نخستین رمانی است که ویژگی‌های مقامه‌نویسی و داستان نو را با هم دارد (همان: ۲۵). سپس، با اشاره به ارزش اجتماعی رمان، در عنوانی با نام «الروایة والمجتمع والحقل المعرفی»، داستان را اثر ادبی مهمی می‌داند که با اجتماع سازگار است و آن را یک «نهاد ادبی پایدار» با نام «نهاد رمان» معرفی می‌کند، زیرا «این نوع ادبی، ابزار مناسبی برای اصلاح جامعه و بیان آرمان‌های آن به‌شمار می‌رود» (همان: ۳۴-۳۵). نویسنده با اشاره به مدرسه آمریکایی رفتارشناسی (المدرسة البیهافیوریة) در نوآوری داستان آن را موجب ورود شگردهایی سینمایی در داستان می‌داند (همان: ۳۷-۳۸).

در مقاله دوم با عنوان «أسس البناء السردی فی الروایة الجدیة» ارکان رمان نو را بررسی می‌کند. رمانی که به‌دست نویسندگان فرانسوی بعد از جنگ جهانی دوم شکل گرفت (همان: ۴۷). در این فصل، تفاوت رمان سنتی و نو را در نحوه نگرش به شخصیت داستانی بیان می‌کند (همان: ۴۸) که ناشی از زندگی امروزی بشر و سه‌گانگی «گرسنگی، رفتار جنسی، و تفاوت طبقاتی» است که سه اندیشمند مارکس، فروید، و بافلوف نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد این نگرش داشتند (همان: ۵۰-۵۱). سپس، عوامل ظهور رمان نو را برمی‌شمارد: جنگ جهانی دوم (همان: ۵۱)، نبرد آزادی‌بخش الجزایر که نقش مهمی در بیداری نویسندگان و مردم فرانسه ایفا کرد (همان: ۵۳)، ساخت جنگ‌افزار هسته‌ای که جهان را پر از احساس ناامنی کرد (همان: ۵۴)، سفر به ماه که نگرش انسان را به زندگی و آسمان دگرگون کرد (همان: ۵۵)، با اشاره به ویژگی‌های رمان کافکا و داستایوفسکی

ویژگی‌های رمان نو (همان: ۶۲) و آگزیستانسیالیستی را بیان می‌کند (همان: ۶۴) و از مکتب «نوداستان‌نویسی آمریکایی» به ضدرمان یاد می‌کند (همان: ۷۲).

در مقاله سوم شخصیت داستانی، ماهیت، و ساخت و انواع آن را بررسی می‌کند و آن را «تصویری کوچک از دنیای واقعی می‌داند» (همان: ۷۳). سپس، تفاوت شخصیت در شکل سنتی داستان، که آن را وجودی متافیزیکی گمان می‌کردند، با شخصیت در داستان نو، که آن را وجودی کاغذی می‌پندارند، بررسی می‌کند (همان: ۷۵). شخصیت داستانی در نگرش جدید نه براساس ویژگی‌های آن، بلکه براساس نقشی که در رمان به وی سپرده شده است، تعریف و تحلیل می‌شود (همان: ۸۷). آن‌گاه انواع شخصیت داستانی را به‌طور کلی در دو دسته ساده و پیچیده تقسیم می‌کند و دیگر تقسیم‌ها درباره شخصیت داستانی را بیهوده می‌داند (همان: ۸۷-۸۹). از نظر مرتاض، رابطه شخصیت داستانی با دیگر عناصر داستان محوری است که داستان را از دیگر انواع نثر ادبی متمایز می‌کند (همان: ۹۱).

در فصل چهارم به موضوع مهم تحلیل زبان داستان و سطوح زبانی روایت می‌پردازد که یکی از مسائل مهم روایت‌کاوی است. در آغاز با بیان اهمیت زبان و رابطه آن با زندگی و اندیشه انسان را «موجودی زبانی» می‌نامد که بدون زبان هیچ است (همان: ۹۳) آن‌گاه در بحثی به نشانه‌معناشناسی زبان می‌پردازد که اساس زیبایی داستان است (همان: ۹۹-۱۰۰) و با طرح موضوع زبان داستان و هماهنگی بین سطوح گوناگون زبانی و شخصیت داستانی، جاحظ را نخستین ناقدی می‌داند که به موضوع سطوح گوناگون زبان و هماهنگی آن با اندازه فهم شنوندگان پرداخته است (همان: ۱۰۱). سپس، موضوع شیوه نوشتار و جدال فصیح و عامیانه را مطرح می‌کند و شیوه نوشتاری عامیانه را انحرافی از داستان‌نویسی درست می‌داند (همان: ۱۰۲). سپس، انواع زبان داستانی مانند زبان در سطح گزارش روایتی، زبان گفت‌وگو، و زبان مناجات یا «حدیث النفس» (همان: ۱۱۸) و هماهنگی بین آن‌ها را در سطح کیفی و کمی بررسی می‌کند.

در مقاله (فصل) پنجم با طرح بحث مهم «مکان داستانی»، واژه «حیز» (جغرافیا) را معادل مناسب‌تر واژه انگلیسی «space» می‌داند (همان: ۱۲۱). آن‌گاه جغرافیای داستان را به جغرافیای آشکار (المظهر الجغرافی) و جغرافیای پنهان (المظهر الخلفی) یا جغرافیای اشاره‌ای (الحیز الإیحاء) تقسیم می‌کند، که اولی توصیف ظاهری زمین است؛ مانند کوه، دشت، تپه، و جنگل با این تفاوت که جغرافیای ادبی جغرافیای واقعی نیست (همان: ۱۲۳) و دومی، که به‌واسطه زبان در داستان شکل می‌گیرد و به‌شکل غیرمستقیم به مکان داستانی اشاره دارد،

مانند واژه‌های «سافر، خرج، دخل، أبحر، ركب الطائرة، سمع المؤذن، و...» که بیان‌گر مکان هم هستند؛ زیرا کسی که مسافرت می‌کند از مکانی به مکان دیگر می‌رود و یا شنیدن صدای اذان مؤذن بیان‌گر وجود مکانی مانند مسجد یا سرزمین مسلمانان است؛ ژرار ژنت این نوع مکان داستانی را جغرافیای پنهان یا اشاره‌ای نامیده است (همان: ۱۲۴). مرتاض توجه جدی داستان‌نویس به مکان داستانی را «حیزة» (مکان‌سازی داستان) یا «النشاط الحیزی» (بازی مکانی) می‌نامد (همان: ۱۲۵) و بر ناقدان عرب خرده می‌گیرد که چرا به مکان داستانی اهمیت نداده‌اند (همان: ۱۲۷). سپس، موضوعاتی مانند بازی مکانی (همان: ۱۲۸)، پرهیز از بیان جزئیات مکان (همان: ۱۲۸)، و توجه به فشردگی و الهام‌بخشی بیان مکانی را ابزار برای زیباشناسی روایت مطرح می‌کند (همان: ۱۲۹)؛ زیرا جغرافیای داستان را باید در داستان نو، مانند موجودی زنده، پنداشت که می‌فهمد و می‌بیند و در رخ‌دادن حوادث نقش دارد (همان: ۱۳۰). از نظر وی، جغرافیای داستانی وجودی زبانی دارد، نه واقعی (همان: ۱۳۵)؛ یعنی مکان داستان هنری است.

مقاله (فصل) ششم درباره سطوح گوناگون روایت است. در آغاز، انواع روایت داستانی را در ادبیات کهن عربی می‌آورد که شامل عبارت‌های «زعموا» در کلیله و دمنه، «حدثنی» در مقامات، «بلغنی» در هزار و یک شب، و «قال الروای» و «کان ماکان» در داستان‌های مردمی و فولکلوریک است (همان: ۱۴۱-۱۵۰). از نظر مرتاض، کارکرد این عبارات در داستان کهن عرب برای جلب اعتماد خواننده است (همان: ۱۴۲). آن‌گاه بحث درازدامنی درباره کاربرد ضمائر در روایت داستان دارد که به ترتیب اهمیت و بسامد آن، ضمیر غایب، متکلم، و مخاطب را بررسی کرده است (همان: ۱۵۱-۱۶۴). البته، تفاوت ضمائر را زیباشناسانه می‌داند نه معناشناسانه (همان: ۱۶۹).

در مقاله هفتم کارکرد زمان در روایت را بررسی می‌کند و با تبیین مفهوم زمان ساخت صرفی این واژه را در عربی روشن می‌کند (همان: ۱۷۲) و انواع آن را مانند متواصل یا زمان طبیعی، متعاقب یا دایره‌وار، متقطع یا بریده از دیگر زمان‌ها، غایب یا زمانی که قابل درک نیست، و زمان ذاتی یا زمانی که فرد آن را به خود نسبت می‌دهد و در نتیجه مجازی می‌شود شرح می‌دهد (همان: ۱۷۳-۱۷۶). آن‌گاه شبکه زمانی روایت را، که شامل زمان حکایت، زمان نوشتن، و زمان خواندن است، شرح می‌دهد (همان: ۱۸۰) و رابطه حادثه با ترفندهای زمانی مانند دگرگونی زمان (همان: ۱۸۸)، تداخل زمان‌ها (همان: ۱۸۸)، و رابطه مکان را با زمان (همان: ۱۹۳) شرح می‌دهد و نیرنگ زمانی داستان را بین راوی و خواننده روشن می‌کند (همان: ۲۰۰).

در مقاله هشتم، شبکه درهم‌تنیده روایت را با بیان جزئیات روشن می‌کند. شبکه‌ای که شامل روابط راوی و نویسنده ضمنی و حقیقی و خواننده ضمنی و حقیقی است (همان: ۲۰۳)، اما وی موضوع نویسنده ضمنی را رد می‌کند و آن را توهم می‌پندارد. آن‌گاه با پرسشی مهم موقعیت راوی را در عمل روایت بررسی می‌کند (همان: ۲۰۴، ۲۰۵): آیا قانونی برای بیان شبکه روایت در داستان وجود دارد؟ (همان: ۲۱۰) و با طرح انتقادی دیدگاه‌های ژنت، گریماس، و دیگر نظریه‌پردازان (همان: ۲۱۱-۲۱۵) روایت یا عمل داستانی را تبیین می‌کند؟ (همان: ۲۱۵-۲۱۸).

در مقاله پایانی (نهم) به رابطه روایت با وصف در داستان می‌پردازد و با بررسی وصف از نگاه ناقدان عرب و غرب (همان: ۲۴۳-۲۴۸)، حدود آن را در داستان روشن می‌کند که وصف «تأملی» و روایت «سرزندگی» داستان به‌شمار می‌رود (همان: ۲۵۱) و هر دو ساخته زبان داستانی است که عامل اساسی ساخت داستان به‌شمار می‌رود (همان: ۲۵۷) و در پایان کتاب هم، فهرست مآخذ و منابع را با عنوان کتاب‌خانه می‌آورد که نشانه پرباری منابع این کتاب است.

مطالب این کتاب نشان می‌دهد که محتوای کمی آن پربار است و بیش‌تر موضوعات روایت‌شناسی را در بر می‌گیرد، اگرچه گاهی مطالب را شرح و بسط اضافی داده است.

## ۲,۲ شکل ظاهری اثر

### ۱,۲,۲ حروف‌نگاری

نوع قلم‌نگارش کتاب روشن نیست، اما برای خواندن آن مناسب به‌نظر می‌رسد؛ هرچند اندازه آن ریز است. عنوان‌های اصلی و فرعی با قلمی درشت نوشته شده است و پانوش‌ها نیز با قلم ریزتر. هر صفحه ۲۹ سطر دارد که برای قطع رقعی این کتاب بیش از حد معمول است. چاپ الکترونیکی این کتاب گزینش چنین خط و اندازه‌ای را می‌پذیرد، زیرا خواننده می‌تواند بنابه نیاز خود آن را بزرگ کند.

### ۲,۲,۲ صفحه‌آرایی

نویسنده اصول فنی و استاندارد صفحه‌آرایی را رعایت کرده است. تورفتگی‌های حاشیه‌های راست و چپ و بالا و پایین، سرصفحه‌ها که در صفحات زوج نام کتاب و صفحات فرد عنوان نام هر فصل یا مقاله نوشته شده است و شماره صفحه هم در صفحات زوج در



سمت راست و در صفحات فرد در سمت چپ به شکل درشت در داخل کادری قرار دارد. شروع هر مقاله یا فصل هم به شکلی جداگانه آمده است.

### ۳,۲,۲ طرح جلد

این کتاب از سلسله انتشارات عالم المعرفة شورای ملی فرهنگ و هنر و ادب کویت است. بنابراین، مانند تمام کتاب‌های این مرکز طرحی یکسان با پنج کادر دارد. نخست کادر بالا که در سمت راست آن شماره این کتاب (۲۴۰) است و در کنار آن نشان شورای ملی فرهنگ و در سمت چپ نشان انتشارات عالم المعرفة قرار دارد. دوم دو کادر وسط و پایین آن که عنوان کتاب درشت و در کادر زیر آن عنوان فرعی کتاب کمی ریزتر نوشته شده است. چهارم کادر پایین که نام نویسنده کاملاً درشت قرار دارد. پنجم کادر کناری که جمله «سلسلة كتب ثقافية شهرية يصدرها المجلس الوطني للثقافة والفنون والآداب - الكويت» عمودی و با رنگی متفاوت و سفید نوشته شده است و در صفحه بعدی تاریخ انتشار کتاب، یعنی ۱۹۹۸ م، در پایین اضافه شده است.

### ۴,۲,۲ قواعد عمومی ویرایش و نگارش

نویسنده قواعد عمومی ویرایش را رعایت کرده است. علائم سجاوندی تقریباً دقیق است؛ البته نوعی افراط در ویرگول و نقطه ویرگول دارد، هرچند این امر خواندن متن را آسان کرده است. غلط‌های چاپی هم دارد؛ مانند صفحه ۸۳ «ذلک بلأن» که درست آن «ذلک بأن» است؛ صفحه ۸۲ «السرداتیة» که درست آن «السردانیة» است. گاهی شیوه کاربرد درست زبان عربی رعایت نشده است؛ مانند صفحه ۷۵ «فإن المصطلح الذی نستعمله نحن مقابلاً للمصطلح الغربی» که آوردن ضمیر «نحن» اضافی است، زیرا جمله به تأکید نیازی ندارد یا صفحه ۸۵ «فکأن، إذن، هذه العلاقة التي تقوم...» که درست آن «إذن فکأن هذه العلاقة التي تقوم...» است، زیرا إذن صدرات طلب است. یا صفحه ۱۷ «لعلنا أن نوفق الی انجام هذا العمل...» که حرف مصدرساز «أن» اضافی است و «نوفق» جمله فعلیه می‌تواند خبر لعل بشود. گاهی بین جمله‌ها تطابق نحوی برقرار است؛ برای نمونه، صفحه ۷۳: «كان الروائی التقليدی يلهث وراء الشخصيات ذات الطبائع الخاصة لكي يبلورها في عمله الروائی؛ فتكون صورة مصغرة للعالم الواقعي. لقد كانوا يعتقدون أنهم قادرون على...» جمله نخست «كان الروائی...» مفرد و دوم «لقد كانوا يعتقدون...» اسم كان، «وا» ضمیر جمع است! مرجع ضمیر کجاست؟ روشن نیست.

به گمانم، بدترین عیب ویرایشی این کتاب کاربرد عبارت‌ها و جمله‌های درازی است که معنای آن را مبهم می‌کند؛ مانند صفحه ۱۷ که بدین قرار است:

ذلک، وإنما لانعرف أحدا من الدارسین، و محللی الروایة، العرب، إلى یومنا هذا، وذلك فی حدود ما بلغناه، نحن علی الأقل، من العلم- إلا ما كان من أمر الدكتور عزالدین إسماعیل الذی حاول أن يتحدث عن الأنواع الأدبیة، كما سماها؛ فتحدث، باقتضاب، عن الفن القصصی، والفن المسرحی، والشعر، والنقد الأدبی. و علی أنه لم یعر المقالة الأدبیة، ولا الروایة ما لهما أهل من العناية -تناول الاجناس الادبیة جملة، ودرس الخصائص الممیزة لها، واضعا لكل منها المعالم والحدود و التعریفات.

تمام بند را با یک جمله بیان کرده است و برای پرهیز از کژتابی معنایی ناچار شده است از ویرگول (۱۵ بار) به شکل افراطی بهره برد. بند بعدی همان صفحه هم همین مشکل را دارد.

### ۳. تحلیل محتوایی کتاب

تحلیل محتوایی کتاب *فی نظریة الروایة* آسان نیست، زیرا کتابی است به‌غایت تخصصی که نویسنده آن می‌کوشد با نظمی ویژه و دیدی انتقادی موضوع روایت را بررسی کند. هدف وی هم ارائه یک شیوه نقدی با بهره‌مندی از میراث فکری گذشته عرب به‌منظور خوانش بهتر داستان است. شیوه ارائه مباحث هم با شیوه مرسوم تفاوت دارد. نویسنده به‌جای واژه «فصل» از اصطلاح «مقاله» بهره می‌برد.

### ۱,۳ برتری‌های کتاب

نکات مثبت کتاب بسیار است که آن را شایسته تدریس در دوره دکتری می‌کند.

### ۱,۱,۳ نوآوری‌های علمی

#### ۱,۱,۳ ساخت واژه‌های تخصصی (اصطلاحات نقد داستانی)

برترین ویژگی این کتاب ساخت معادل‌های تخصصی و معادل‌سازی در زمینه نقد داستان است. نویسنده می‌کوشد که معادل‌های تخصصی فراوانی را که در حوزه داستان و روایت وجود دارد، متناسب با ساخت زبان عربی بیافریند و در این امر زبردست است. در

موارد بسیاری، واژه‌های رایج را نمی‌پسندد و اصطلاح نوی را ارائه می‌دهد. فراوانی این اصطلاحات شگفت‌انگیز است و نویسندگان می‌کوشد برای آن‌ها معادل‌های عربی بیابند. ساخت واژه‌هایی مانند الروایة (همان: ۲۲)، الجديدة و التقليدية (همان: ۵۸)، الشخصية (همان: ۷۴)، الشخصية المدورة والشخصية المسطحة (همان: ۸۹)، لغة المناجاة (همان: ۱۱۸)، و مانند آن که در این کتاب بسیار زیاد است (بنگرید به مصطفی ۲۰۱۲).

برای نمونه، درباره مکان داستانی است. وی برای واژه انگلیسی «space»، با استفاده از معادل فرانسوی آن، اصطلاح «حیث» (جغرافیا) را می‌سازد و آن را از واژه‌های «فضا» و «مکان» معادلی رساتر می‌داند (مرتاض ۱۹۹۸: ۱۲۱) و دو مصطلح «المظهر الجغرافی» (نمای جغرافیایی) و «المظهر الخلفی» یا «المظهر الایحایی» (جغرافیای پنهان یا جغرافیای اشاره‌ای) هم به این ساخت واژه‌ها می‌افزاید (همان: ۱۲۳) و واژه «الحيضة» (spatialisation, spatialization) (همان: ۱۲۵) را برای «پویامکانی داستانی» می‌سازد که منظورش فعال‌شدن مکان در داستان به‌منزله موجودی پویاست.

مصطلحات ساخته‌شده در این کتاب فراوان است تا آن‌جا که دو پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان‌های *المصطلح السردی عند عبدالملک مرتاض: کتاب فی نظریة الروایة انموذجا* نوشته احمد موساوی از دانشگاه قاصدی مریاح الجزایر و *اشکالیة توظيف المصطلح النقدي السیمیایی فی الخطاب النقدي العربي المعاصر: عبدالملک مرتاض انموذجا* نوشته عبدالرشید همیسی از دانشگاه فرحات عباس سطیف درباره معادل‌سازی اصطلاحات نقد داستانی و نوآوری‌های مرتاض در این کتاب است.

### ۲،۱،۱،۳ بومی‌سازی نظریة روایت‌شناسی غربی

از مهم‌ترین نوآوری‌های این کتاب تلاش نویسندگان برای ارائه یک نظریه منسجم در داستان‌نویسی با الهام از میراث گذشته نقد و ادب عربی است. در زمینه نقد روایت یا روایت‌کاوی در مغرب‌زمین کتاب‌های بسیاری نوشته شده است، اما در دنیای عرب نوشته‌های ارزشمند بسیار کم است. نویسندگان با تلاش بسیار نظریه‌های روایت‌شناسی را در غرب در کتاب خود آورده و نقدهای درخوری هم از آن‌ها کرده است. او در برابر نظریات ارائه‌شده نظریه‌پردازان غربی نگاهی شگفت‌زده و رام ندارد، بلکه آن‌ها را نقد و در بسیاری از موارد با استدلال رد می‌کند.

بنابراین، مهم‌ترین ویژگی این کتاب «بومی‌سازی دانش روایت در پرتو منابع روایی کهن عربی» است که از آن به «تأصیل السردی» یاد کرده‌اند (عبود ۲۰۰۰: ۱). عبدالملک مرتاض

در کتاب *فی نظریه الروایة* می‌کوشد تا با بهره‌مندی از منابع داستانی میراث کهن عربی، نظریه روایت‌شناسی عربی را ارائه دهد که با بهره‌گیری از ریشه‌های کهن ادب عربی قاطعیت و نظم اجرایی نقد امروزه غرب را هم داشته باشد. برای همین کار، در نوآوری دیگری نویسنده می‌کوشد «واژه‌های نقد روایت» را براساس ریشه‌های زبان عربی و با کمک از متون نقدی کهن عربی بسازد که متناسب با فرهنگ و زبان عربی باشد که می‌توان آن را «بومی‌سازی» مصطلحات با کمک میراث داستانی نام نهاد (محبک ۱۹۹۹: ۱).

### ۳،۱،۱،۳ روش نو در ارائه مطالب

در ارائه عنوان‌های اصلی نوعی نظم منطقی ناشناخته برقرار است. وی از واژه «مقاله» به‌جای واژه فصل بهره می‌برد. ترتیب مقالات هم نوآوری خود را دارد. مقاله اول (داستان: ماهیت، پیدایش، و تحول) و مقاله دوم (بنیادهای ساخت روایت) به‌شکل طبیعی به‌دنبال هم آمده‌اند، اما بحث عنصر شخصیت داستانی (مقاله سوم) پیش از بحث سطوح زبان روایتی (مقاله چهارم) آمده است که به‌نظر می‌رسد بحث سطوح زبان روایت باید قبل از بحث شخصیت داستانی باشد یا بحث انواع روایت (مقاله ششم) را پیش از بحث زمان روایت (مقاله هفتم) و پس از بحث مکان داستانی (مقاله پنجم) می‌آورد که معمولاً بحث مکان و زمان را در این‌گونه مباحث نقد داستانی به‌دنبال هم می‌آورند. هم‌چنین بحث تداخل وصف و گزارش روایتی را در آخرین مقاله پس از بحث شبکه روابط روایتی در مقاله هشتم آورده است که شاید ترتیب منطقی مقاله هشتم آخر باشد.

هر فصل هم نوعی نظم منطقی دارد، اما گاهی نویسنده به‌ناچار مطالبی را بیان می‌کند که بیش‌تر جنبه توضیحی دارد؛ مانند بحث مقاله ششم (اشکال السرد الروایی) که بحث مفصلی درباره ضمایر اول و دوم و سوم شخص روایتی مطرح کرده است و از صفحه ۱۵۱ تا ۱۶۹ بسیاری از موارد را بیش از اندازه بیان کرده است؛ مثلاً به ویژگی‌های ضمیر غایب، که آن را سید الضمایر (مرتاض ۱۹۹۸: ۱۶۱) نامیده، همان اندازه اهمیت داده که به ضمیر متکلم داده است. البته این‌گونه زیاده‌روی در شرح مباحث لازمه بحث نوآورانه است که به شرح و تفصیل بیش‌تر نیاز دارد تا نوآوری آن درک شود.

### ۲،۱،۳ گستردگی منابع معتبر و رعایت اخلاق علمی

مرتاض از منابع به‌روز و معتبر نقد داستانی به زبان فرانسوی بهره می‌برد. در این کتاب از صفحه ۲۶۱ تا ۲۸۱ عنوانی جداگانه به‌نام شرح و ارجاع دارد که منابع هر مقاله را جداگانه و

مستند آورده و در صفحات ۲۸۳-۲۸۸ منابع را با عنوان کتاب‌خانه این کتاب، در دو بخش منابع عربی و فرانسوی، جداگانه نوشته است. در ابتدای این فهرست سه نکته را یادآوری می‌کند:

۱. چون در ارجاعات هر بخش را در پایان هر مقاله به تفصیل آورده در این جا ذکر نکرده است؛

۲. برخی از منابع عربی یا فرانسوی را در این جا می‌آورد، اما در متن کتاب به آن‌ها ارجاع نداده است؛

۳. متون داستانی که به آن‌ها اشاره شده یا از آن‌ها بهره برده، به جز دو مورد، بقیه را ننوشته است، زیرا آوردن نام آن‌ها در فهرست منابع از نظر نویسنده تأثیری ندارد.

هرچند این سه نکته جای تأمل دارد، اما فراوانی منابع این کتاب بیان‌گر ارزش علمی آن است، به‌ویژه این که نویسنده از منابع به زبان اصلی بهره برده است.

مرتاض اخلاق علمی را رعایت کرده و هر مطلبی را به منبع آن استناد داده یا اشاره کرده است. این مورد از مزیت‌های این کتاب به‌شمار می‌رود. فراوانی منابع و اشاره نویسنده به چگونگی ذکر آن‌ها دلیل روشنی بر پای‌بندی نویسنده به اخلاق علمی است.

### ۳،۱،۳ بی‌طرفی علمی در تحلیل مطالب

نویسنده می‌کوشد که در نقد دیگران بی‌طرف باشد، اما نگاهی جدی به نقد نظریه‌پردازان غربی در متون گذشته عربی دارد. ویژگی بارز این کتاب ذکر گسترده نظریات دیگر دانشمندان کهن عرب و امروزه غرب در زمینه روایت است و همیشه می‌کوشد که این نظریات را با دیدی انتقادی مطرح کند.

مثلاً در نخستین مقاله (ماهیت داستان)، با ذکر سخن نظریه‌پردازان مغرب‌زمین در این زمینه سخن گوته (Johann Wolfgang Goethe) (ص ۱۳) را می‌آورد و بر آن خرده می‌گیرد: «علی اننا لانتفق مع هذا التعریف الذی یعزى الی قوث لانتنا إن اعتبرنا الروایة ملحمة ذاتیة ربما مال الوهم بنا الی السیرة الذاتیة أو الی ای عمل أدبی سردی مرتبط بالذات». هم‌چنین، در صفحه ۱۴ نظر کایسر را رد می‌کند. در مقاله ششم (اشکال السرد و مستویاته) (همان: ۱۴۱-۱۷۱) تفاوت ضمیر مخاطب و مزایای هنری بسیار زیاد آن را با دیگر ضمائر از نظر میشل بیطور نمی‌پذیرد (همان: ۱۶۶). یا در مقاله ۸ (شبكة العلاقات السردیة) (همان: ۲۰۳-۲۴۳) نظریه مؤلف ضمنی را که تودروف، ژنت، و بوث ارائه کرده‌اند، کاملاً

نقد و رد می‌کند (همان: ۲۰۳-۲۱۰). البته همیشه تلاش می‌کند که بی‌طرف باشد و فقط دلایل علمی ارائه کند، هرچند گاهی سخنان نیش‌دار وی به این نظریه‌پردازان، به‌ویژه در حوزه مؤلف ضمنی که آن را مؤلف وهمی می‌نامد (همان: ۲۰۷)، آشکار است.

## ۲,۳ کاستی‌های کتاب

بدیهی است که هر کتابی بعد از مدتی معایش آشکار می‌شود که بیان‌گر پیش‌رفت دانش است، اما گاهی نویسنده به دلایلی که روشن نیست مواردی را نایده می‌گیرد که از دید ارزیابان ادبی پنهان نمی‌ماند.

### ۱,۲,۳ نادیده‌انگاشتن تلاش دیگر پژوهش‌گران معاصر عرب در زمینه روایت‌شناسی

اگرچه نویسنده کتاب از منابع بسیار معتبر غرب و گذشته عرب بهره برده است، اما منابع به‌روز عربی را نادیده انگاشته و از آن‌ها یاد نکرده، بلکه مدعی شده است که این اولین بار است در موضوع برخی مسائل روایت مطالبی نوشته می‌شود که از بی‌اطلاعی نویسنده از تلاش دیگر پژوهش‌گران عرب در این زمینه نشان دارد (محبک ۱۹۹۹: ۲). وی فقط از حمید لحمدانی یاد می‌کند و عزالدین اسماعیل را اولین پژوهش‌گری می‌داند که در زمینه انواع ادبی مانند داستان و نمایش‌نامه مطالب نوشته است (مرتاض ۱۹۹۸: ۱۷). در حالی که احمد امین در سال ۱۹۵۲م و غنیمی هلال در سال ۱۹۶۲م بحث مفصلی درباره انواع ادبی داشته‌اند. هم‌چنین، از کتاب‌های مهمی که ناقدان عرب در زمینه نقد مکان داستانی نوشته‌اند بهره نبرده است، بلکه در مقاله پنجم (الحیز الروائی واشکاله) بر این نظر است که اولین نفری است که درباره حیز و مکان داستانی می‌نویسد (همان: ۱۲۵)، با آن‌که قبل از انتشار این کتاب (سال ۱۹۹۸م)، کتاب *بناء الروایة* از سیزا قاسم (۱۹۸۵م)، *بنیة الشكل الروایی* از حسن بحرأوی (۱۹۹۰م)، و *بناء الروایة* از سمر روحی فیصل (۱۹۹۵م) نوشته شده بود یا این‌که نویسنده مدعی است که هیچ‌یک از ناقدان عرب به موضوع فضای داستانی اهمیت نداده‌اند (همان: ۱۴۶). این سخن اعتباری ندارد، زیرا هم اصطلاح «فضای داستانی» قبل از مرتاض رواج داشته است (محبک ۱۹۹۹: ۳) و هم ناقدانی مانند غالب هلسا در سال ۱۹۸۹ م کتاب *ارزش‌مند المکان فی الروایة* و محمد عزام کتاب *فضاء النص الروایی* را به سال ۱۹۹۶ م نوشته بودند. مرتاض به هیچ‌یک از پنج کتاب یادشده ارجاع نداده و اشاره نکرده است.

### ۲,۲,۳ زیاده‌گویی در جستارها

نویسنده کتاب گاهی موضوع را با زیاده‌گویی و اطناب بیان می‌کند. شیوه نوشتاری نویسنده نشان می‌دهد که تمایل دارد مطالب را با بیان اضافی بیاورد و دوست دارد از زبان ادبی برای بیان مطالبش بهره ببرد (همان: ۶). نمونه این‌گونه اضافه‌نویسی‌ها در بحث ضمائم در مقاله ششم از صفحه ۱۵۳ تا آخر این مقاله یعنی صفحه ۱۶۹ است. بسیاری از دلایل برتری و زیباشناسانه هر ضمیر با دیگری تداخل دارد و شگفت آن‌که در پایان این بحث هرگونه تأثیر معنایی هر یک از این سه ضمیر در دیگری را نفی می‌کند و فقط اثر زیباشناسانه آن را می‌پذیرد. در این جا سخن بسیار به‌درازا می‌کشد که موجب بیان جستارهای دور از اصل موضوع شده است؛ مانند بند زیر که در رد نظر ناقدان درباره حریری است:

ومن المحزن أننا نجد كثيرا من مؤرخي الأدب العربي أثناء القرن العشرين يتسرعون في إصدار أحكام مصدرها تخلف النقد العربي على مقامات الحريري لمجرد أنها سلكت لنفسها نسجا إيقاعيا في الكتابة ولتأنقها الشديد في استعمال ألفاظ اللغة... ونحن نعجب من أحكام هؤلاء الذين انبروا للتأريخ للأدب العربي؛ فترهبوا قبل أن يتعنبوا! وإلا لكانوا عدوا تلك الطريقة في الكتابة ضربا من تأنيق اللغة وتأليقها و ترويضها و تطويعها والتكبين لها في الظهور تحت أساليب مختلفة ونسوج لغوية مزركشة (همان: ۱۴۵).

این سخن به‌شیوه روایی مقامات (موضوع اصلی) ربطی ندارد.

### ۳,۲,۳ کوتاهی فهرست عناوین

کارکرد فهرست یک کتاب راهنمایی خواننده به‌منظور دستیابی سریع به عنوان‌های اصلی و فرعی است. در دنیای پرشتاب امروزی این کارکرد اهمیت دوچندانی دارد. از این‌رو، باید فهرست عناوین اصلی و فرعی این کتاب به‌تفصیل می‌آمد که نیامده است و فقط عناوین اصلی مقاله‌ها یا همان فصول کتاب آمده است.

فهرست این کتاب بسیار کلی است و فقط عنوان‌های اصلی ده‌گانه را آورده است. هر مقاله شامل زیرعنوان‌های مهمی است که در فهرست کتاب به آن‌ها اشاره‌ای نشده است. مثلاً مقاله نخست این کتاب هشت زیرعنوان دارد: الروایة من حیث هی جنس ادبی (همان: ۱۷)، بین الجنس والنوع (همان: ۲۱)، ما الروایة (همان: ۲۲)، الروایة والتاریخ (همان: ۲۸)، الروایة والمجتمع (همان: ۳۴)، بنية الروایة (همان: ۳۶)، اثر المدرسة الامریکیة فی

تطور الرواية (همان: ۳۷)، و الرواية العربية أو الوطنية (همان: ۴۳). با این که هر کدام از این زیرعنوان‌ها مهم و درخور توجه‌اند، در فهرست کتاب نیامده‌اند و این امر خواننده را از دسترسی آسان به مطالب کتاب محروم می‌کند.

#### ۴. محتوای کتاب و سرفصل درسی

این کتاب به شکل کلی با اهداف درس «نثر معاصر عربی» دکتری زبان و ادبیات عربی، که در دانشگاه تربیت مدرس تدریس می‌شود و از سال ۱۳۹۷ اجرای آن برای تمامی دانشگاه‌ها الزامی است، تناسب دارد (برنامه درسی بازنگری شده دوره تخصصی رشته زبان و ادبیات عربی ۱۳۹۷: ۲۱). این درس شامل انواع نثر عربی یعنی داستان بلند، کوتاه، نمایش‌نامه، و مقاله ادبی در دوران معاصر است که عنصر «روایت» در همه آن‌ها دیده می‌شود و شناخت شگردهای آن برای درک ژرف ساخت متن ادبی معاصر لازم است. از این رو، فی نظریه الروایة کتاب بسیار مناسبی برای این درس به شمار می‌رود و تقریباً هدف سرفصل درسی را پوشش می‌دهد؛ به ویژه این که گستردگی نوع ادبی داستان اهمیت این کتاب را روشن می‌کند. این کتاب عناصر روایت را کاملاً بررسی کرده است.

مطالب این کتاب بخش ادبیات داستانی سرفصل درسی «نثر عربی معاصر» (سرفصل اصلاح شده دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۹۱ و مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی در سال ۱۳۹۴) را پوشش می‌دهد، اما شامل تحلیل نمایش‌نامه و مقاله نمی‌شود، هر چند موضوع آن، یعنی عنصر روایت، رکن اصلی تحلیل انواع نثر ادبی معاصر به شمار می‌رود و در تحلیل آن‌ها به این کتاب نیاز است. این کتاب روش تحلیل روایت داستانی را یاد می‌دهد که بخش بزرگی از نثر معاصر عربی به شمار می‌رود. البته روشن است که نمی‌توان کتاب جامع و مانعی برای هر درس در دوره دکتری پیش نهاد کرد.

#### ۵. سازواری کتاب با مبانی فرهنگ دینی

به نظر می‌رسد محتوای علمی کتاب فی نظریه الروایة با پیش فرض‌هایی که نویسنده در هر مقاله می‌آورد سازوار و هماهنگ است. اگرچه برخی ناقدان ایرادهایی بر وی گرفته‌اند؛ مانند ساخت واژه «حیز» به جای فضا معادل space در نقد داستان که گفته‌اند چون اصطلاح مکان رواج یافته بهتر است همان مصطلح پیشین به کار رود. اما به نظر می‌رسد که چنین ایرادهایی



خیلی محکم و متقن نیست. در هر حال هر نوآوری با لغزش‌هایی همراه است که طبیعی است و از ارزش علمی آن نمی‌کاهد.

از آن‌جا که ناقدان این کتاب را رویکردی برای «ریشه‌یابی واژه‌های نقد داستانی» یا بومی‌سازی دانش روایت دانسته‌اند، می‌توان ادعا کرد که سازگاری خوبی با رویکرد دینی و ارزش‌های اسلامی دارد. نویسنده می‌کوشد دانش روایت یا روایت‌شناسی را بومی‌سازی کند. از این رو، از میراث نقد کهن عربی نمونه‌های بسیاری برای ساخت واژه‌های معادل می‌آورد؛ مثلاً در مقاله سوم (مستویات اللغة الروائیة و اشکالها (ص ۹۳-۱۲۱)) ضمن دفاع از زبان فصیح در برابر کاربرد عامیانه زبان در داستان امروزی، با طرح سطوح گوناگون زبان در داستان و تناسب آن با شخصیت‌های داستانی از نظر نظریه‌پردازان غرب، نظر دانشمندان اسلامی مانند جلال‌الدین سیوطی و جاحظ را نقل می‌کند که این مطلب را به‌خوبی بیان کرده‌اند:

والحق أن مسألة المستویات اللغویة داخل العمل السردی تعنی فی المذهب التقدی المتسامح أن الکاتب الروائی علیه أن يستعمل جملة من المستویات اللغویة التي تناسب أوضاع الشخصیات الثقافیة و الاجتماعیة و الفکریة بحيث اذا كان فی الروایة شخصیات: عالم لغوی و صوفی و ملحد و فیلسوف و فلاح و طبیب .. فان علی الکاتب أن يستعمل اللغة التي تلیق بكل هذه الشخصیات... وقد کنا الفینا جلال الدین السیوطی ینهض بهذه التجربة اللغویة فألفیناه یکتب عشرين مقامة موزعة علی عشرين شخصیة مختلفة فیتخذ لكل شخصیة لغتها الوظيفیة لكن فی اطار الفصحی العالیة فکان العرب کانوا سبقوا الی هذه المسألة تطبیقا بعد أن کان ابو عثمان الجاحظ تحدث عنها نظریا منذ عهد عهود بعیدة (ص ۱۰۴).

کاملاً روشن است که نویسنده تلاش می‌کند تا این دانش را هم از جنبه نظری و هم از جنبه عملی مسبوق به سابقه در میراث گذشته عرب بداند.

موضوع اصلی این کتاب ذاتاً تعارضی با ارزش‌های دینی و اسلامی ندارد، اما تلاش نویسنده در بومی‌سازی و طرح انتقادی نظریات دانشمندان غربی از مهم‌ترین ارزش‌های دینی یعنی اهتمام به اندیشه نشان دارد. بومی‌سازی روایت‌شناسی به‌منظور ارائه یک نظریه ریشه‌دار و برگرفته از میراث نقد کهن عربی خود یکی دیگر از مهم‌ترین ارزش‌های دینی و اسلامی در دنیای امروز است که بیان‌گر تجربه‌ای درخور توجه برای ایجاد رویکرد اسلامی به مبانی نظری و عملی دانش روایت یا روایت‌شناسی است که امروزه در رشته‌های زبان و ادبیات عربی و فارسی اهمیت بسیاری به آن داده می‌شود.

## ۶. نتیجه‌گیری

از مباحثی که گذشت می‌توان نتایج ذیل را گرفت:

۱. کتاب *فی نظریة الروایة: بحث فی تقنیات السرد* توانسته است روشی قابل‌قبول برای تحلیل درست داستان در اختیار خواننده بگذارد، زیرا خواننده بعد از خواندن دقیق کتاب با مفاهیم نظری و بنیادی داستان و روایت آشنا می‌شود؛
۲. مهم‌ترین ویژگی این کتاب تلاش نویسنده برای بومی‌سازی دانش روایت یا روایت‌شناسی است که با بهره‌مندی از منابع کهن عربی مفاهیم بنیادی این دانش غربی را به‌خوبی در زبان عربی روشن می‌کند؛
۳. ساخت «واژه‌های نقد داستانی» این کتاب بسیار مهم و جدیدند که می‌توان آن را ویژگی برتر این کتاب به‌شمار آورد. از این رو، ناقدان عرب به آن اهمیت درخوری داده‌اند؛
۴. نویسنده در طرح سخن نظریه‌پردازان غرب منفعل نیست، بلکه با استفاده از منابع عربی و هم‌چنین با ارائه دلایل گاهی سخن آنان را رد می‌کند و نظریه خود را ارائه می‌دهد و می‌کوشد تا نظریه‌اش هم‌سو با فرهنگ دینی و میراث گذشته ادبی عرب باشد؛
۵. برتری‌های این کتاب بیش از کاستی‌های آن است، اما ناقدان در بررسی‌های خود از این کتاب نقدهایی کردند؛ مانند بی‌توجهی به پژوهش‌گران معاصر نقد داستانی عرب، زیاده‌گویی خسته‌کننده در بیان جستارهای علمی، و استفاده از زبان ادبی پر از واژگان مترادف؛
۶. این کتاب می‌تواند منبع درسی اساسی برای درس نثر معاصر عرب در دوره دکتری باشد، زیرا موضوع اصلی آن، روش تحلیل روایت، مهم‌ترین عنصر نثر معاصر به‌شمار می‌رود و دانش‌آموخته ادبیات معاصر در تحصیلات تکمیلی به آن نیاز دارد.

## پی‌نوشت

۱. مرتاض به سال ۱۹۳۵ م در شهر تلمسان الجزایر به دنیا آمد. در سال ۱۹۶۳ م از دانشگاه رباط فارغ‌التحصیل شد. در سال ۱۹۷۰ م از دانشگاه الجزایر دکترا گرفت. به سال ۱۹۸۳ م از دانشگاه سوربون هم با راه‌نمایی اندریه میکال از رساله دکتری خود با عنوان *درباره هنرهای نثر ادبی در الجزایر* دفاع کرد (مرتاض ۱۹۹۸: ۲۸۹) و در سال ۱۹۸۶ م به درجه استادی دست یافت.

## كتاب نامه

برنامج درسي بازنگري شده دوره تخصصي رشته زبان و ادبيات عربي (١٣٩٧)، وزارت علوم، تحقيقات و فناوري:

<[http://hes.msrt.ir/uploads/T\\_Education/١٤٦٦٣٢٧٦٧٦\\_٠.pdf](http://hes.msrt.ir/uploads/T_Education/١٤٦٦٣٢٧٦٧٦_٠.pdf)>

ثابت، طارق (بي تا)، «عبدالملك مرتاض و جهوده في التنظير لتحليل الخطاب الادبي؛ المنهج السيميائي نموذجاً»، هماميش بين المللي تحليل گفتمان ادبي در دانشگاه قاصدي مرياح. عبدالنور، ابراهيم (٢٠١٠)، «جهود عبدالملك مرتاض في تنظير القراءة في كتاب نظرية القراءة»، مجلة القراءات دانشگاه بسكرة، العدد الثاني.

عبود، جمال (٢٠٠٠)، «الرواية بين التأويل.. والتأصيل: قراءة في كتاب: في نظرية الرواية - بحث في تقنيات السرد. للدكتور عبدالملك مرتاض»، مجلة الموقف الأدبي، اتحاد الكتاب العرب بدمشق، العدد ٣٤٥. غانم، رشيدة (٢٠١٢)، اللغة الواصفة في نقد عبدالملك مرتاض، ابيان نامه دانشگاه مولود معمري تيزي وزو. محبک، احمد زياد (١٩٩٩)، «في نظرية الرواية للدكتور عبدالملك مرتاض»، مجلة الموقف الأدبي، اتحاد الكتاب العرب بدمشق، العدد ٣٤٤.

مرتاض، عبدالملك (١٩٩٨)، في نظرية الرواية: بحث في تقنيات السرد، كويت: عالم المعرفة، مجلس الوطني للثقافة و الفنون والآداب.

مرتاض، عبدالملك (٢٠١٤)، «الثقافية»، حوار مع مرتاض:

<<http://www.yamamahmag.com/١٨٥٢/٢.html>>

مصطفى، بوجمليين (٢٠١٢)، المصطلح السردى عند عبدالملك مرتاض (كتاب في نظرية الرواية نموذجاً)، دانشگاه قاصدي مرياح.

هميسي، عبدالرشيد (٢٠١٢)، اشكالية توظيف المصطلح النقدي السيميائي في الخطاب الادبي العربي المعاصر: عبدالملك مرتاض نموذجاً، ابيان نامه دانشگاه فرحات عباس سطيف الجزائر.

